

کنترل نسل در سبک زندگی دینی

محمد اسماعیل عبداللهی

قرآن و جفت گرایی انسان

انسانها طوری آفریده شده‌اند که جفت‌خواهی به سرشت و آفرینش آنها برمی‌گردد. تشکیل خانواده، معلول این است که هر کدام از دو عنصر زن و مرد، تا یکدیگر را نچویند و نخواهند و با یکدیگر نیامیزند و به تعاون و معاضدت یکدیگر تن ندهند، ناقص‌اند. این دو عنصر، مکمل یکدیگرند. تنها رابطه فیزیکی دو تن نیست که آنان را تکمیل می‌کند و تنها تولید فرزند نیست که ایشان را دلخوش می‌گرداند و تنها امور مادی ظاهری، آنها را به یکدیگر جذب نمی‌کنند. نکته مهم در اینجا آن است که هم نیاز روحی و هم نیاز جسمی، زن و مرد را به سوی یکدیگر می‌کشاند. طراح آفرینش، خلقت موجودات جاندار را این‌گونه طراحی کرده است.

از دیدگاه قرآن، اصولاً خلقت انسانها به صورت جفت است. هیچ مردی و هیچ زنی نیست که برای او جفتی خلق نشده باشد. اینها به حسب فطرت خود، در پی یافتن جفت خود کوشش می‌کنند و هر کدام با شیوه مخصوص خود، این وظیفه فطری را انجام می‌دهند. مرد با فنون مردانه خود و زن با شگردهای زنانه خود، همدیگر را می‌جویند و کامل می‌کنند. منطق قرآن در این باره چنین است:

الف) ((وَوَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا))؛ «و شما را جفت جفت آفریدیم».

ب) ((وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ))؛ «و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرتهایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند».

ج) ((وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ))؛ «خدا شما را از خاک و سپس از نطفه

بیافرید. آن‌گاه جفتهای یکدیگرتان قرار داد. هیچ زنی آبستن نمی‌شود و نمی‌زاید؛ مگر به علم او و عمر هیچ سالخورده‌ای به درازا نکشد و از عمر کسی کاسته نشود، جز آنکه همه در کتابی نوشته شده است. و این کارها بر خدا آسان است».

د) ((فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ))؛ «آفریدگار آسمانها و زمین است. برای شما هم از شما، همسرانی بیافرید و نیز برای چارپایان، جفتهایی پدید آورد. با آفرینش همسران بر شمارتان می‌افزاید. هیچ چیز همانند او نیست و اوست که شنوا و بیناست».

قرآن با این‌گونه تعبیرات، در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره کرده است. اگر جفت‌گرایی در سرشت انسان عجین نشده بود و همسران، وسیله سکون و آرامش یکدیگر نبودند و دوستی و رحمت در میان آنها قرار داده نمی‌شد، چه نیازی داشتند که با بستن پیمان زناشویی، تنهایی و استقلال فردی خود را در جمع

کوچک خانواده، مضمحل و همه لوازم و نتایج آن را تحمل کنند؟

راز اصلی در تشکیل نهاد خانواده، نیاز روحی و جسمی هر فرد بشری به جنس مخالفش است. همین جفت‌گرایی است که مودت را در میان دو جنس مخالف ایجاد می‌کند و در حقیقت همین مودت، موجب سکون و آرامش در هر فرد انسانی از دو جنس مخالف می‌شود و تمییز دهنده جفت‌گرایی انسان و حیوان است؛ چرا که در میان حیوانات، سخنی از مودت و رحمت نیست.

بر اساس اندیشه اسلامی، رفع نیاز جنسی، تولید نسل و فرزنددار شدن، ارضای حس اجتماعی بودن، رفع نیاز به تعاون و... همه در پرتو نیاز روحی و جسمی هر فرد بشری به جنس مخالف، از موارد فلسفه تشکیل خانواده به حساب می‌آید.

در اندیشه دینی بر ازدواج و تشکیل خانواده بسیار تأکید می‌شود ((وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ))؛ «غزبهائتان را و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند همسر دهید. اگر بینوا باشند خدا به کرم خود توانگرشان خواهد ساخت، که خدا

گشایش‌دهنده و داناست.» در مرحله بعد به توالد و تناسل تأکید می‌ورزد. زن و مرد، طالب این هستند که با مشاهده ثمره وجود خویش، خود را بر مسند پر افتخار مادری و پدری بنگرند و مسئولیت تربیت انسانهایی صالح و ارزشمند را برعهده گیرند و از این رهگذر به وجود خویشتن، امتداد بخشند.

فرزند، جلوه وحدت پدر و مادر است، زن و مرد باید بدانند که با ازدواج، دارای روح واحدی دو پیکر شده‌اند. درست است که ژنهای والدین، بعضی به صورت بارز، اثر خود را بیش‌تر و بعضی به صورت مکتوم اثر خود را کم‌تر نشان می‌دهند، ولی به هر حال، فرزند، آمیزه‌ای از هر دوی آنهاست و زمینه‌های وجودی ایشان را در خود ذخیره دارد و از هیچ‌یک جدا نیست.

اهمیت داشتن فرزند در منابع دینی

شخصی خدمت امام کاظم (علیه السلام) نوشت که پنج سال است از داشتن فرزند خودداری می‌کنم؛ زیرا همسر از داشتن فرزند، کراهت دارد و می‌گوید: به علت تنگدستی از عهده بزرگ کردن و تربیت فرزند بر نمی‌آیم. حضرت در پاسخ وی نوشت: «اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُمْ؛ فرزند بخواه زیرا خداوند، روزی آنها را می‌دهد».

قرآن کریم به صراحت بر حفظ فرزند و پرهیز از نابودی فرزند تأکید می‌کند: ((لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ))؛ فرزندان خود را از ترس فقر نکشید، روزی شما و آنها را می‌دهیم؛ از این‌رو قطعاً کارهایی از قبیل سقط جنین و کشتن فرزند به بهانه مالی و اقتصادی، از نظر اسلام منفور است.» این بیان قرآنی و روایی، جواب دندان‌شکنی به شیفتگان تمدن جدید است که انسان معصومی را پیش از تولد، نیست و نابود می‌کنند و جواب محکمی است به آنهایی که با تراشیدن هزار دلیل، جلوی انعقاد نطفه را می‌گیرند.

انفجار جمعیت و سلب آرامش عمومی!!

سالهاست که در دنیا مطرح می‌کنند جمعیت دنیا رو به افزایش است و کم‌کم دارد عرصه بر مردم تنگ می‌شود و کره زمین نمی‌تواند نیاز آنها را تأمین کند و...، پس نباید جمعیت زیاد شود و فرزند زیاد باعث سلب آرامش،

فقر و بدبختی خواهد شد، در حالی که این ادعا از چند جهت، خلاف مبانی دینی اسلامی است. نخست آنکه هر انسانی که به دنیا می‌آید دارای دو بازو و یک مغز پرتوان است و حتما خواهد توانست شکم خود بلکه شکمهای دیگران را نیز سیر کند.

دوم آنکه قرآن کریم می‌فرماید: ((الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ))؛ «شیطان است که شما را از فقر می‌ترساند و به فحشا و زشتی امر می‌کند.» بنابراین این قبیل برداشتها شیطانی است و نتیجه آن سردی کانون خانواده و غیر طبیعی شدن زنان و مردان و به کار نیفتادن عواطف آنها و تن دادن به اعمال زشتی از قبیل سقط جنین است.

سوم آنکه در طول تاریخ استعمار، یکی از مهم‌ترین رهاوردهای استعماری، همین بوده است تا ممالک دنیا کم‌جمعیت باشد و خالی بماند و از زمین، بهره‌برداری نشود و ارباب قدرت بتوانند همچنان بر کرسی استکبار تکیه بزنند. از این مهم‌تر، استکبار و استعمار جهانی در دو دهه اخیر تلاش کوشیده است تا از هر راهی، جلوی گسترش اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) و مذهب حقه اثنا عشری را بگیرند و نگذارند جریان شیعی به یک تمدن فراگیر مبدل شود. هدف آنان این است که بتوانند ممالک اسلامی را به تصرف درآورند و خود به عیش و نوش و دنیاپرستی و ظلم و تجاوز بپردازند و دیگر مانعی بر سر راه خود نبینند. چهارم آنکه داشتن فرزند نه تنها سبب سلب آرامش و اعتماد به نفس و نشاط و شادابی نیست، بلکه خود مایه اصلی ایجاد آرامش و نشاط است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيْحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِيْنَ الْجَنَّةِ؛ فرزند نیکوکار، گلی از گلهای بهشت است.» در جای دیگری رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «إِنَّهُمْ (ای الاولاد) لَثَمَرَةُ الْقُلُوبِ وَ قُرَّةُ الْأَعْيُنِ وَ إِنَّهُمْ مَعَ ذَلِكَ لَمَجْبُتَةٌ مَبْخُلَةٌ مَحْزَنَةٌ؛ فرزندان میوه دلها و نور چشمهایند و با وجود این، عاملی برای ترس، بخل و حزن نیز هستند.» فرزند، زمانی عامل ترس، بخل و حزن خواهد بود که تحت تربیت صحیح پدر و مادر قرار نگیرد. اگر والدین به وظایف خود درباره فرزندان عمل نکنند و آنان را درست تربیت نکنند، هم به سقوط و انحراف آنها از مسیر حق کمک کرده اند و هم خود از شر آنها در دنیا و آخرت در امان نخواهند بود؛ زیرا نخستین کسانی که از فرزند تربیت نشده زیان می‌بینند، والدین‌اند. گاه ممکن است فرزند تربیت‌نیافته، پدر و مادر را وادار کند تا برای تأمین خواسته‌های او به هر کار غیر شرعی دست بزنند.

نقل شده است روزی حسن بصری گفت: فرزند چه چیز بدی است؛ زیرا اگر زنده بماند مرا به زحمت خواهد انداخت و اگر هم بمیرد مرا ناراحت خواهد کرد. این سخن به گوش امام سجاد (علیه السلام) رسید، حضرت فرمود: «كَذَبَ وَ اللَّهُ نَعْمَ الشَّيْءُ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ قَدَعَاءٌ حَاضِرٌ وَ إِنْ مَاتَ فَشَفِيعٌ سَابِقٌ؛ به خدا قسم دروغ می‌گوید، فرزند، چه چیز خوبی است؛ زیرا اگر زنده بماند، پیوسته دعایی حاضر (برای والدین) خواهد بود و اگر بمیرد، شفیع است که از پیش (برای والدین) فرستاده شده است.» توضیح مطلب این است که وقتی امام (علیه السلام) فرمود: فرزند، دعای حاضر است؛ یعنی وجود خود فرزند دعایی در حق پدر و مادر است تا چه رسد به اینکه در حق آنها دعا هم بکند. این معنا با توجه به آیه ذیل روشن‌تر می‌شود که در آن، روزی والدین را مترتب بر روزی فرزندان می‌داند. در این آیه آمده است ((وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانُ

خَطَأً كَبِيرًا))؛ «فرزندان خود را از بیم درویشی مکشید. ما، هم شما را روزی می دهیم و هم ایشان را. کشتنشان خطای بزرگی است.»

در روایتی از امام سجاد(علیه السلام) آمده است که می فرمایند: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ؛ از(نشانه های) سعادت مرد، داشتن فرزندی است که کمک کار او باشند. «قرآن کریم نیز در جایی، فرزند را زیور زندگی می داند: ((الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا))؛ مال و فرزندان، آرایش و زیور زندگی دنیا هستند، ولی اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ امید داشتن به آنها نیکوتر است.»

فرزندان، نعمتهایی برای والدین اند، که این نعمت، خود سبب نعمتهای دیگری چون رزق و روزی، آرامش و نشاط، اعتماد به نفس، همدلی و همراهی و داشتن حامی و پشتیبان می شود. اگر والدین به وظایف خود در قبال آنها عمل کنند، یعنی اگر آنچنان که شرع مقدس توصیه کرده نسبت به آنها و تربیتشان اهتمام داشته باشند می توانند از این نعمتها همچون سایر نعمتهای الهی بهره مند شوند؛ چنان که این نعمتها مانند سایر نعمتها می توانند به نعمتی برای آنها تبدیل شوند و این در صورتی است که به وظایف خود در قبال آنها عمل نکنند . آیا اسلام، موافق کاهش جمعیت است؟!

برخی می گویند: دین مبین اسلام موافق کنترل و کاهش جمعیت است؛ زیرا عزل منی و جلوگیری از انعقاد نطفه را جایز می داند و حتی روشهای جلوگیری از بارداری را نیز تأیید می کند؟ از این رو اگر اسلام می خواست که جمعیت افزایش پیدا کند و نسل زیاد شود باید عزل منی را حرام می کرد؟ در پاسخ به این شبهه نیز باید گفت :

اول اینکه احکام فقهی و دستورهای شرع مقدس را همه نمی دانند؛ بلکه باید شخص، مجتهد جامع الشرائط و آگاه به مبانی معرفتی دین باشد؛ از این رو اظهار نظر کردن درباره مسائل شرعی فقط در حوزه اختیارات فقیه دینی است .

دوم اینکه در احکام دینی حسب فتاوی فقههای بزرگوار شیعه، عزل به صورت مطلق جایز نیست؛ بلکه مشروط به رضایت زوجه است. در این زمینه، می توان به سخن شیخ مفید(رحمه الله) توجه کرد که می فرماید: «وَأَلَيْسَ لِأَخَذِ أَنْ يَغْزَلَ الْمَاءَ عَنْ زَوْجَةٍ حَرَّةٍ إِلَّا أَنْ تَرْضَى مِنْهُ بِذَلِكَ»؛ هیچ مردی حق ندارد از زن آزاده خود [غیرمملوک] عزل کند؛ مگر آنکه همسرش رضایت داشته باشد. «فتاوی مراجع بزرگوار تقلید زمان ما نیز همین مطلب را ثابت می کند .

سوم اینکه آنچه درباره به عزل و جلوگیری از انعقاد نطفه آمده است، نه به علت انگیزه اقتصادی یا توصیه به کاهش جمعیت و... است؛ بلکه اگر مادری به طور پیاپی فرزند به دنیا آورد و سلامت او و فرزندانش در خطر است، جا دارد که با استفاده از یک شیوه بهداشتی، جلوی انعقاد نطفه را بگیرد. چهارم اینکه آنچه از مبانی دینی بر می آید آن است که اسلام نمی خواهد بشر را به کاهش زاد و ولد توصیه کند و یا از گسترش نسل جلوگیری کند؛ زیرا میل به جنس مخالف، توصیه به ازدواج و... همه برای تولید نسل و حفظ بقای بشر است. بنابراین اگر در جاهایی سخن از تحدید نسل و مدیریت تولید نسل و احیانا

جلوگیری (عزل) است نه به علت انگیزه ای است که ذکر شد؛ بلکه به راههای تنظیم خانواده و کنترل جمعیت اشاره می کند. ذکر این نکته نشانه ای برای پویایی دین مبین اسلام است که برای هر چیزی برنامه ای دارد؛ یعنی اگر روزی، بنا به هر غرض عقلایی نیاز به جلوگیری از ایجاد فرزند، احساس شود، دین اسلام راهی صحیح و بهداشتی برای جلوگیری دارد.

چند فتوا درباره شیوه های جلوگیری از بارداری

۱۰. آیا جلوگیری از حمل با بستن لوله های رحم یا عنین کردن مردان یا گذاشتن دستگاه های آی یو دی، که موجب لمس و نظر است، اشکال دارد؟

(ج) عقیم کردن جایز نیست، مگر اینکه حمل، خطر جانی برای زن داشته و راه علاج، منحصر به عقیم کردن باشد. در این صورت اشکال ندارد و لمس و نظر به عورت زن برای غیر شوهر جایز نیست.

۱۲. این جانب دارای ده فرزند می باشم و از نظر کثرت اولاد در زحمت هستم. می خواهم لوله های رحم را ببندم آیا شرعاً جایز است یا خیر؟

(ج) اگر موجب نازایی دائمی نشود و ضرر به مزاج و عضو نرساند و شوهر، راضی باشد و عمل، همراه با ارتکاب عمل غیر شرعی نباشد، اشکال ندارد.

۳. بستن لوله های منی مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت چه حکمی دارد؟

(ج) اگر این کار با غرضی عقلایی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.

۴. آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟

(ج) سقط جنین به مجرد وجود مشکلات و سختیهای اقتصادی جایز نمی شود.

۵. با توجه به لزوم کنترل جمعیت، آیا بستن لوله های رحم در خانمها اشکال دارد؟

(ج) برای مدت موقت، مانعی ندارد.

۶. دید برخی عالمان بزرگوار شاهد خوبی در این زمینه است، آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ این سؤال که: «آیا

اسلام موافق با رشد جمعیت است؟»

چنین پاسخ داده اند:

اسلام موافق با رشد جمعیت است از نظر اینکه آمار مسلمانان هرچه بیش تر باشد دلیل بر عظمت و قدرت آنها

است؛ ولی در برخی شرایط خاص، به عنوان آن شرایط، با رشد جمعیت، موافق نیست.

۷. در کل، با توجه به سؤالات مطروحه [درباره روشهای جلوگیری از بارداری]، در صورتی که حضرت عالی ارشاد و نظر خاصی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمایید.

(ج) توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد و تنها مسائل کوتاه مدت را در نظر نگیرند و به واقعیت توجه کنند، نه شعارها.

۸. حضرت آیت الله نوری همدانی می فرمایند: تحدید نسل برای کشور، یک درد است و نیازمند یک کار جمعی از

سوی همه قوا و اقدامات اجتماعی و فرهنگی است... یکی از راههای مقابله با تحدید نسل، فراهم کردن زمینه

ازدواج راحت برای نسل جوان است. ازدواج آسان یعنی کاهش مهریه ها و هزینه های اضافه که مسئولان و مدیران

نهادهای مختلف باید در دستور کار قرار دهند تا ازدواج جوانان، راحت تر انجام شود... و قانون کنترل جمعیت باید حذف شود .

پنجم آنکه اگر در جایی، دین مقدس اسلام برای تنظیم خانواده و مدیریت تولید نسل در شرایط خاص، عزل را جایز می شمارد، در جاهای دیگری در میان دستورهای زندگی برای مرد، ازدواج با چهار زن به طور هم زمان را جایز می شمارد (البته با شرایط خاص). این توصیه، خود شاهی است بر اینکه اسلام، موافق داشتن فرزند زیاد و ازدیاد نسل است و هیچ گاه توصیه به کنترل نسل و تحدید نسل نمی کند، بلکه ازدواج را مایه برکت در رزق و روزی و سرمایه مادی و معنوی مرد می داند .

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله و سلم) فَشَكَاَ إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ؛ مردی خدمت رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) رسید و نزد آن حضرت از فقر و نیازمندی خود گلایه کرد. حضرت به او فرمود: ازدواج کن. آن مرد ازدواج کرد و در زندگی اش گشایش ایجاد شد.» در روایت دیگری حضرت فرمودند: «الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِيَالِ؛ رزق و روزی همراه با همسر و فرزندان است.» نکته قابل توجه در این روایات آن است که آنچه امروزه در آستانه فرهنگ شدن است باور و رفتاری است کاملاً در مقابل و مخالف فرهنگ اسلامی. کم نیستند جوانانی که همسر را فردی هزینه بر و فرزند را نان خور اضافی می دانند. آنان بر این باورند که افزایش فرزند، انسان را یک قدم به فقر کامل نزدیک می کند؛ در حالی که با رجوع به فرهنگ اسلامی و برگزاری ازدواجی کم هزینه و رعایت نکاتی که پیش از این گذشت، همسر و هر یک از فرزندان به مثابه بستر رودخانه ای هستند که رزق را از سرچشمه روزی، نصیب انسان می کنند.